



## آموزه دهم: قلم سحر آمیز

جنگ چالدران با همه مقاومت دلیرانه شاه اسماعیل و سربازانش به شکست انجامید. کمال الدین بهزاد همراه با شاه اسماعیل بود. یکی از سرداران زخمی شده بود. کمال الدین بهزاد همراه با شاه محمود نیشابوری او را به غاری در آن نزدیکی رساندند.

غار تاریک و نمناک بود. قطره‌های آب از شکاف سقف می‌لغزید و از روی توده آهکی که از سقف آویزان بود پایین می‌آمد و از نوک آن به کف سنگی غار می‌چکید. باریکه‌ای از نور خورشید به داخل غار می‌تابید و فضا را روشن می‌کرد. کمال الدین تکه چوب نیم سوخته‌ای برداشت و روی دیوار غار تصویر مرغی را کشید که رو به سقف غار اوج گرفته بود. شاه محمود و سردار زخمی مرغ را نگاه کردند. کمال الدین زیر تصویر با خط خوش نوشت:

**قلمرو زبانی: مقاومت: ایستادگی / انجامیدن: منجر شدن (بن ماضی: انجامید؛ بن مضارع: انجام) / توده: پشته / مرغ: پرنده**

**ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت**

**قلمرو زبانی: هدهد: شانه به سر / صبا: بادی خنک که از جانب شمال شرقی می‌وزد. / سبا: شهری در عربستان قدیم و ناحیه یمن کنونی که ملکه آن بلقیس نام داشته است. / فرستادن: گسیل کردن (بن ماضی: فرستاد؛ بن مضارع: فرست) / نگریستن: نگاه کردن (بن ماضی: نگریست؛ بن مضارع: نگر) / قلمرو ادبی: صبا، سبا: جناس ناهمسان / واژه آرایبی (تکرار): می‌فرستمت، کجا / هدهد صبا: اضافه تشبیهی / تلمیح به داستان حضرت سلیمان**

**بازگردانی: ای باد صبا که مانند هدهدی، تو را به شهر سبا می‌فرستم. نگاه کن که از کجا به کجا می‌فرستمت.**

**حیف است طایری چو تو در خاکدانِ غم / زین جا به آشیانِ وفا می‌فرستمت**

**قلمرو زبانی: حیف: افسوس / طایر: پرنده / چو: مانند / خاکدان: جای خاک، جای آشغال / آشیان: منزل، آشیانه / قلمرو ادبی: خاکدان: استعاره**

**از جهان مادی / آشیان وفا: جهان معنوی و عشق**

**بازگردانی: حیف است که پرنده ای مانند تو در این جهان خاکی و جایگاه غم باشد. از این جا به منزل وفا و عشق تو را می‌فرستم.**

سردار لبخندی زد آرام شد و زیر لب شعر حافظ را زمزمه کرد. شعر و نقاشی، کار خود را کرده بود. کمال الدین بهزاد به سردار نزدیک شد و پارچه را از روی زخم وی گشود.



سردار گفت: «آفرین بر قلم سحرآمیز! من درد را فراموش کردم. نقاشی تو طیب زخم‌های ماست.»



**قلمرو زبانی: گشودن:** باز کردن (بن ماضی: گشود؛ بن مضارع: گشا) / **طیب:** پزشک، درمانگر / **قلمرو ادبی: زیر لب:** کنایه از آهسته / **نقاشی تو طیب ...:** تشبیه

## دو نامه

سید جمال آرام و قرار نداشت. گاه در مصر بود، گاه در استانبول، گاه در افغانستان و گاه در هند. همه جا مردم را به آگاهی و مبارزه با استعمار و بیدادگری دعوت می‌کرد. این روحانی پرشور به انگلیس که رسید، زبان انگلیسی را در مدتی کوتاه آموخت تا به این زبان سخنرانی کند و با اندیشمندان آنها به گفت‌وگو بنشیند. در فرانسه به فرانسوی می‌نوشت و در مصر به عربی سخنرانی می‌کرد.

این ایرانی پرشور وقتی نیرنگ استعمار را در کشورش دریافت، نامه ای به مرجع تقلید شیعیان میرزای شیرازی نوشت تا تنباکو را تحریم کند.

میرزای بزرگ مرجع شجاع و بزرگوار سرانجام فتوای تاریخی را صادر کرد:



«بسم الله الرحمن الرحيم ... استعمال توتون و تنباکو در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است.»

دو نامه سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزای بزرگ کار خود را کرده بود: قلیان‌ها شکسته شد؛ تنباکو تحریم شد؛ شاه به تنگنا افتاد و توطئه انگلیس شکست خورد.

**قلمرو زبانی: بیدادگری: ستمگری / پرشور: پرهیجان / آموختن: یاد گرفتن (بن ماضی: آموخت؛ بن مضارع: آموز) / نیرنگ: فریب / تحریم: حرام کردن / استعمال: استفاده، بهره جویی / محاربه: جنگ / صلوات الله و سلامه علیه: درود و تندرستی خدا بر او باد / تنگنا: جای تنگ / توطئه: دوز و کلک**



- ۱- سیدجمال الدین اسدآبادی در چه زمینه‌هایی استعداد داشت؟ - زبان‌آموزی و دانش‌های سیاسی
- ۲- چه رابطه‌ای بین شعر حافظ و نقاشی کمال الدین بهزاد بود؟ - هر دو، حال مرغی را بازمی گویند که از زمین به سوی آسمان رو به پرواز دارد. به دیگر سخن باید در آینده منتظر شکوفایی و بالندگی باشیم.
- ۳- چرا روحانیت و چهره‌های علمی - فرهنگی تأثیر بیشتری در جامعه دارند؟ - زیرا اینان آگاه‌ترند و می‌توانند توده مردم را به پویش وادارند.
- ۴- .....



به این واژه‌ها توجه کنید:

«صبا و سبا»، «آرام، رام»

در این واژه‌ها نوعی نزدیکی آوایی وجود دارد. به این گونه نزدیکی آوایی واژه‌ها که شعر و نثر را زیباتر و خوش آهنگ‌تر می‌کند «جناس» می‌گویند.

به نمونه‌های زیر توجه کنید و جناس‌ها را بیابید.

ای نام تو بهترین سرآغاز / بی نام تو نامه کی کنم باز؟



**قلمرو زبانی: سرآغاز: مقدمه / کی: چه زمانی / نامه: کتاب / قلمرو ادبی: نام، نامه: جناس ناهمسان / نامه کی کنم باز: کنایه از اینکه کاری را**

**شروع کنم و کتابی را بنویسم. / واژه آرای: نام، تو / واج آرای: «ن»**

**بازگردانی: ای کسی که نامت بهترین سرآغاز است. بدون نام تو چگونه کاری را آغاز کنم؟**

**شرف مرد به جود است و کرامت به سجود / هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود**

**قلمرو زبانی: شرف: آبرو، بزرگواری / جود: بخشش، بخشندگی / کرامت: جوانمردی، بزرگواری / سجود: سجده کردن، نیایش / عدم: نبودن /**

**وجود: بودن / قلمرو ادبی: جود، سجود: جناس ناهمسان / جود، وجود: جناس ناهمسان / عدم، وجود: تضاد**

**بازگردانی: آبرو و بزرگی انسان به بخشندگی و جوانمردی او به نیایش پروردگار است. هر کس نه بخشنده است و نه جوانمرد نبودنش بهتر از**

**بودنش است.**



۱- همسان: یکسانی دو واژه در واج ستزنده با معانی نلیکسان.  
پدر با پسر یکدگر را کنار / گرفتند کرده غم از دل کنار.

**الف) حرکتی:** ناهمسانی واژه ها در یک مصوت کوتاه.  
نوبهار است در آن کوش که خوش دل باشی / که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی.

**ب) اختلافی:** ناهمسانی واژه ها در یک واج.  
کنونت که چشم است اشکی **بیار** / زبان در دهان است عذری **بیار**.

**پ) افزایشی:** ناهمسانی واژه ها در تعداد حروف.  
کفر است در طریقت ما کینه داشتن / **آیین** ماست سینه چو **آینه** داشتن.

انواع  
«جناس»

**گوشزد ۱:** جناس میان دو واژه را زمانی جناس ناهمسان می خوانیم که اختلاف آنها بیش از یک واج یا حرف نباشد.

**گوشزد ۲:** افزودن تکواژهای تصریفی (ی نانشناس، نشانه جمع ...) و ضمیر پیوسته آسیبی به جناس نمی زند.  
آب حیات حسنت گلبرگ تر ندارد / طعم دهان **تنگت تنگ** شکر ندارد  
گو **تار**های طزه خود را به باد ده / تا یاد توست مونس شبهای **تار** من

**گوشزد ۳:** دو حرف با یکدیگر نمی توانند جناس بسازند؛ ولی یک حرف با یک اسم یا فعل می تواند جناس پدید آورد.  
پس اگر «را» در دو معنا به کار رود جناس پدید نمی آورد؛  
در خواب بدم **مرا** خردمندی گفت / کز خواب کسی **را** گل شادی نشکفت (جناس ندارد)  
و گر بینی که با هم یک زبان اند / کمان را زه کن و **بر** باره **بر** سنگ (جناس دارد)  
من هیچ ندانم که **مرا** آن که سرشت / از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت (جناس دارد)  
دانش سلاح توست و سلاح از نشان **مرد** / **مردی** چو نیست به که نباشد تو را نشان (جناس دارد)

اینستاگرام: jafari.saeed.ir

تلگرام: @JS.ir

www.jafarisaeed.ir



- ۱- درباره تأثیر دو نامه میرزای شیرازی و سید جمال، گفت و گو کنید. - سبب پویش توده مردم شدند.
- ۲- از دیوان حافظ، متن شعر «ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت ...» را بیابید. در گروه بخوانید و قافیه‌های آن را مشخص کنید.

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت  
 حیف است طایری چو تو در خاکدانِ غم / زین جا به آشیانِ وفا می‌فرستمت  
 در راهِ عشقِ مرحله‌ قُرب و بُعد نیست / می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت  
 هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر / در صحبتِ شمال و صبا می‌فرستمت  
 تا لشکرِ غمت نکند مُلکِ دل خراب / جانِ عزیزِ خود به نوا می‌فرستمت  
 ای غایب از نظر که شدی همنشینِ دل / می‌گویمت دعا و ثنا می‌فرستمت  
 در رویِ خود تَفَرُّجِ صُنْعِ خدای کن / کآینه‌ خدایِ نما می‌فرستمت  
 تا مطربان ز شوقِ مَنّتِ آگهی دهند / قول و غزل به ساز و نوا می‌فرستمت  
 ساقی بیا که هاتفِ غییم به مژده گفت / با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت  
 حافظ سرودِ مجلس ما ذکرِ خیرِ توست / بشتاب هان که اسب و قبا می‌فرستمت



- ۱- در متن درس، دو واژه بیابید که شکل نوشتاری و گفتاری آنها مانند «شنبه» متفاوت باشد. - تنباکو، استانبول
- ۲- در هر یک از جمله‌های زیر، گروه اسمی و وابسته‌های آن را مشخص کنید.

■ شعر زیبا، هم در گزینش لفظ و هم در بیان معنا توجه مخاطب را برمی‌انگیزد.

شعر زیبا ← هسته: شعر، زیبا: صفت بیانی / گزینش لفظ ← هسته: گزینش، لفظ: مضاف الیه / بیان معنا ← هسته: بیان، معنا: مضاف الیه / توجه مخاطب ← هسته: توجه، مخاطب: مضاف الیه

■ میرزای بزرگ، مرجع شجاع، فتوای تاریخی را نوشت.



میرزای بزرگ ← هسته: میرزای، بزرگ: صفت / مرجع شجاع ← هسته: مرجع، شجاع: صفت / فتوای تاریخی ← هسته: فتوا، تاریخی: صفت  
۳- در نمونه‌های زیر، جناس‌ها را بیابید.

الهی، چون تو حاضری، چه جویم و چون تو ناظری، چه گویم؟ (علامه حسن زاده آملی)

قلمرو زبانی: ناظر: بیننده / قلمرو ادبی: جویم، گویم: جناس ناهمسان / حاضر، ناظر: جناسواره (جناس نیستند).

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند / همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند (حافظ)

قلمرو زبانی: چمان: با ناز راه رونده / همدم: همنشین / سمن: یاسمن، یاس / قلمرو ادبی: چمان، چمن: جناس ناهمسان / چمن، سمن: جناس ناهمسان  
/ سرو چمان: استعاره از یار / میل چمن و ...: کنایه از به گلگشت رفتن / همدم گل: جانبخشی

بازگردانی: یار من که مانند سرو است، چرا میلی به بیرون رفتن به باغ و بوستان ندارد (از خانه بیرون نمی‌آید تا ما را ببیند).

نه هر چه به قامت مهتر، به قیمت بهتر. (گلستان سعدی)

قلمرو زبانی: قامت: قد / مهتر: بزرگتر / قیمت: ارزش / قلمرو ادبی: مهتر، بهتر: جناس ناهمسان / قامت، قیمت: جناسواره

بازگردانی: هر کس که بلندبالا تر است، ارزشمندتر نیست.

برخی واژه‌ها، به گونه‌ای تلفظ و شنیده می‌شوند که با شکل نوشتاری آنها مطابقت کامل ندارد؛ مانند «پنبه، منبر، سنبل و ...»

به هنگام نوشتن املاهای فارسی، به این گونه از واژه‌ها، لازم است، توجه کنیم:

نوشتار	گفتار
پنبه	پمبه
منبر	ممبر
سنبل	سمبل

حکایت: نام خوش‌بو

یکی از عارفان روزی در راه، کاغذی دید که نام مبارک پروردگار (بسم الله) در آن نوشته شده بود و مردم پا بر آن می‌نهادند و می‌گذشتند. ایستاد و کاغذ را برگرفت و آن کاغذ را معطر گرداند و اندر شکاف دیوار نهاد تا از آسیب پای رهگذران در امان باشد.

مدت‌ها گذشت به خواب دید که ندایی به او می‌گوید: «ای دوست! نام من را خوشبو کردی و مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی. ما نیز نام تو را معطر گردانیم؛ در دنیا و آخرت تو را بزرگ و گرامی خواهیم داشت.

**قلمرو زبانی: عارف:** خداشناس / **مبارک:** همایون / **نهادن:** گذاشتن (بن ماضی: نهاد؛ بن مضارع: نه) / **گذشتن:** عبور کردن (بن ماضی: گذشت؛ بن مضارع: گذر) / **برگرفتن:** برداشتن (بن ماضی: برگرفت؛ بن مضارع: برگیر) / **معطر:** خوشبو / **اندر:** در / **قلمرو ادبی:** دنیا و آخرت: تضاد

